

حقوق و جزای اختصاصی ۲

گردآورنده: محمدامین شریفی

استاد: دکتر آقایی

جزایر اختصاصی ۲

جرایم علیه اموال و مالکیت :

با توجه به اینکه اموال و مالکیت در حوزه حقوق مدنی خصوصاً است جرم در حقوق جزا به عنوان یک سر فصل بحث می شود ؟ ۱۵

۱) حقوق جزا از اموال است اموال بحث می کند نه از خود مال لذا برای اینکه از اموال است اموال دفاع می کند موضوع آن می شود موضوع جزا

۲) در مورد مالکیت از آن هایی که در حقوق اساسی به رسمیت شناخته شده چه می توانیم بگوییم ؟
زیر باری که ندارد حقوق جزا از آن دفاع می کند و متعلق بر خود یا متعلق است

مال چیست ؟

آن چیزی که دارای ارزش اقتصادی است (منه) و منفعت مقصود می عقل کنیم دارد (فصل) و دارای منفعت محال شرعیه هم می باشد (فصل)

رابطه بین مال و ملک ← عموم و خصوص من وجه

مال ← مباحات ملک ← ملک و ملک دانم مال و ملک خود کار

جرایم اقتصادی :

تفاوت جرم اختصاصی با جرم علیه اموال و مالکیت :
۱) از نظر موضوع : موضوع جرم اقتصادی کلیت جامعه است ولی در اموال و مالکیت علیه یک شخص است

۲) از لحاظ هدف جرم نگاری : هدف از جرم نگاری جرایم اقتصادی حمایت کفیه از اقتصادیک کشور است ولی در جرایم علیه اموال حمایت از جرم مالکیت خصوصی است

۳) از نظر بزه دیده : در جرایم اقتصادی بزه دیده جامعه و گسترده است ولی در جرایم علیه اموال محدود است

۴) از نظر گذشت : در جرایم اقتصادی چون جنبه عمومی دارد گذشت اثری ندارد و نیاز به شاکی هم نیست ولی در جرایم علیه اموال نیاز به شاکی است و گذشت شاکی باعث حصول مجازات است

۵) از نظر گستره سیخ المللی : بعضی از جرایم اقتصادی از جمله جرایم سازمان یافته هستند و در کنوانسیون های بین المللی مورد توجه قرار گرفته اند در حالی که جرایم علیه اموال جنبه داخلی ندارند

- ۱- از نظر مجازات : مجازات جرائم اقتصادی غالباً سنگین تر است.
- ۲- ویژگی های جرائم علیه اموال :
- ۳- موضوع جرمی جرائم علیه اموال مال است.
- ۴- جرائم علیه اموال با فعل مثبت است و با ترک فعل نیست مگر در حیانت در اجابت . ماده ۶۷۲
- ۵- جرائم علیه اموال جرائم مقید هستند نه مطلق یعنی در آن نتیجه شرط است .
- ۶- جرائم علیه اموال مطلق به حال دیگری است .
- ۷- جرائم علیه اموال جرم محدد است .
- ۸- قابل نذرت یا غیر قابل نذرت بودن جرائم و تا قبل از انقلاب جرائم اخلاقی غیر قابل نذرت
- ۹- و جرائم علیه اموال قابل نذرت بود اما بعد از انقلاب این قانون برعکس شد .
- ۱۰- حق ... محض ، زنا ، لواط ، مساحقه ، شرب خمر که با توجه مجسده می شوند
- ۱۱- حق اناس محض ، قذف (نسبت دادن زنا یا لواط به فردی) با نذرت مجسده می شود .
- ۱۲- حق ... و حق اناس : سرقت ، حق ... با توجه و حق اناس با نذرت مجسده می شود .
- ۱۳- علم داشتن به معلق حال به دیگری (یعنی باید علم به این باشد که حال برای دیگری است) مواد ۱۴۴ ، ۱۵۵
- ۱۴- در جرائم علیه اموال آیا وسیله نقش دارد : در جرائم علیه اموال وسیله نقش ندارد مگر در کلاهبرداری
- ۱۵- پس در جرائم علیه اموال فقط نتیجه ملاک است مگر کلاهبرداری که هم وسیله هم نتیجه ملاک است .
- ۱۶- ممکن است در بعضی از جرائم هیچ کدام ملاک نباشد مثل توهین .

	نتیجه	وسيلة
کلاهبرداری (جرم مقید)	+	+
توهین (جرم مطلق)	-	-
قتل استیجاب (جرم مقید)	+	-
تردید با سلام (جرم مطلق)	-	+

- ۹- در جرائم علیه اموال ما با بودن سرکار داریم که در مقابل آن تسلیم از روی اختیار و آگاهانه است .
- پس اثر حال را در اثر اخبار به دیگری دهد این سرقت است اما تحولی حال از این اضطرار است

۱. اگر تسلیم مال از زری استیفاء محض باشد عنوان مجربانه ندارد (سرت یا کلاهبرداری)، اما اگر تسلیم مال از زری استیفاء در اثر رفتار مرتکب باشد عنوان مجربانه دارد (سرت یا کلاهبرداری).

۲. - اهذی جزد جبراً علی اموال است . اهذی جرم به عادت است (سینه صدق دربار) معنی با

بلیار عنوان مجربانه ندارد ولی پارووم در عنوان مجربانه . ماده ۶۶۹

کلاهبرداری : (جرم بقیه سفیدها ، جرم جدید یا بحران قرون سیم)

در قریم کلاهبرداری و سرت لکن بزر و سب آ از هم جدا شدند .

در قریم کلاهبرداری در حتمال کوسند .

۳. در ق. م. ۱۰ اصلاح سال ۱۳۰۴ کلاهبرداری جرم نگار شد . در سال ۱۳۵۵ اصلاحات و تغییراتی

دارد شد .

۴. امروز ماده ۱ قانون تدبیر مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری سال ۱۳۶۷ مجوز است

تعریف جرم کلاهبرداری : توسل به وسائل متقلبانه و افعال دگی و بردن مال دگی (شرط سیم) .

۵. شروع به کلاهبرداری : توسل به وسائل متقلبانه و افعال دگی برای بردن مال دگی . مواد ۱۲۲، ۱۲۳ و ۱۲۴

نکته :

۶. عضو قانونی ، قانونی است که مجازات را هم ذکر کند

ارکان جرم کلاهبرداری :

۱- عضو مادی

۲- عضو مادی ← الف) رفتار ب) موضوع ج) وسیله د) نتیج

۳) زمان ف) مکان گ) اوضاع و احوال ص) خصیت مرتکب

نکته :

۷. جرمی جبراً رفتار موضوع را دارند .

۸. رفتار یعنی آیا این جرم با فعل است یا تمک فعل به حال به با فعل است یا فعل مادی یا فعل اعم از

مادی و غیر مادی (مادی یعنی فعلی که آثارش مشخص باشد مثل چاقو زدن ، غیر مادی یعنی فعلی که آثارش

مشخص نیست مثل ترساندن)

۹. رفتار در جرم کلاهبرداری ← فعل از نوع مادی .

- 1 موضوع: محلی که جرم بود واقع می شود مثل قتل در موضوع آن انسان است.
- 2 موضوع جرم در ظاهر داری به ماده قانونی که در مجازات مرتکب ارتشاء و اجتناب و تلاطم داری
- 3 احوال، اسباب، حوالجات، قیوض و مفاصل حساب و امثالها
- 4 اوضاع و احوال: منظور اوضاع و احوال جرم است مثلاً در قتل آیا شخصی که ضابطه بر او وارد شده بوده
- 5 بوده یا نرفته، انسان بوده یا جنین و یا اینکه جنین علیه باید بگردد یا اگر سینه خود را قتل نیست، مقول
- 6 باید محقون دم باشد نه محدود در دم.
- 7 اوضاع و احوال جرم در ظاهر داری به ۱- متعلقان بودن وسائل ۲- فریب خوردن
- 8 ۳- برده شدن جان ۴- این جان باید برای دیگری
- 9 متعلقان بودن وسائل و مقول و غیره متعلقان بودن است پس ضابطه شخصی در حین نیست.
- 10 فریب خوردن، ضابطه در فریب خوردن شخص است نه نوعی.

سوال:

- 11
- 12 ایات توسل ظاهر داری به استفاده از وسائل متعلقان به عهده می گشت؟
- 13 به عهده می شامی و دارستان است.
- 14 آیا این حیل و تقلب دروغ را هم شامل می شود؟
- 15 صرف دروغ وسیله متعلقان بودن صدق نمی کند بلکه باید در کنار آن جعلی، اتحاد عنوانی و... (رضی خاری)
- 16 باشد تا ظاهر داری صدق کند.
- 17 وسیله و وسیله باید متعلقان باشد و در ظاهر داری وسیله شرط است.

رابطه استنباط:

- 18
- 19 بعضی رکن قانونی را برداشتم و این مورد را اعم از هم قرار داده اند یعنی تقسیم باید منسب به فاعل باشد

سوال:

- 20
- 21 اثر تحقق با جعلی و استفاده از سند محمول مرکب ظاهر داری شود به چه مجازاتی محکوم می شود؟
- 22 در این جا طبق ماده ۱۳۱ به مجازات اشد محکوم می شود.
- 23 اگر فردی مالی را دست شخصی به صورت امانت یا به صورت عاریت بپذیرد و این فرد اقدامی را انجام داده و
- 24 توسل پیدا کرده به وسائل متعلقان جهت ندادن مال آیا این ظاهر داری است؟
- 25 از آن طایی که حال قبل از توسل به وسائل متعلقان در دست شخص بوده پس ظاهر داری صدق نمی کند

۱. بین اول باید توصل به وسائل باشد و بعد مال ، در این جابجایی در امانت است .
 اگر خبری از غیر رسید متقلبان استفاده کند لازم است همین این وسائل متقلبان باشند ؟
 حتی اگر یک رسید متقلبان باشد کلاهیم (اوی صدق) می کند ولی باید رابطه نسبت مستقیم رسید متقلبان و
 به ده کردن مال باشد .

موارد مذکور در ماده ۱ تا نوزده تفسیر مجازات مزیلین ارتقاء ، اختلاس و طواهر داری :

- ۱- وجود شرکت ها ... یا مؤسسات موهوم
- ۲- فریب مردم به داشتن اموال یا اختیارات واهی
- ۳- امور غیر واقع
- ۴- از حواش و بیابادهای غیر واقع ترساندن
- ۵- اسم و عنوان مجول
- ۶- وسائل تقلبی دیگر .

تلمیح :

این موارد تسلطی است .
 ۱- وجود شرکت ها ... یا مؤسسات موهوم : معنی اینکه وجود خارجی نداشته باشند یا اینکه کارخانه ای
 بوده ولی مربوط به کار مذکور نبوده .

۲- فریب مردم به داشتن اموال واهی : مثل اینکه پول مردم را می بردی گوید به ات آماجه ۲ به اثر
 کلمه یا اینکه می گوید اگر من برای رئیس بانک بودم و امت فردا دستم
 ۳- امور و کارکردن مردم به امور غیر واقع : مثل اینکه یک شخص پاس نشده می گوید مبلغی به من بده من
 به ات پولش به کلمه پول را می برد و خارجی کند

۴- از حواش و بیابادهای غیر واقع ترساندن : مثل اینکه این خانه تو خرم و ارزشش هزاره یا میلی
 انیم صفت بربیع تا آماجه دیگر ۲۲۲۲۲۲

۵- اختیار اسم یا عنوان و یا تحت مجول : مثل اینکه کارت ملی خود را دست کار می کنده در این
 ها جعل صورت می گیرد . مثلاً خود را شخص معروف معرفی می کند و به طور این هم کارت ملی من و پول
 مردم را می برد و به نام و یا اینکه چون خودش آدم بدنامی است به نام دیگر برای خود انتخاب می کند
 حاله اگر کسی دارای دو مدرک شناسنامه باشد مثلاً ۱ تا بصره باشد و مثلاً ۲ یا بیروت آنرا کاری خود مال
 مردم را از من در این جا جعل صدق نمی کنند زیرا این اسم واقعی است

۶- وسائل تقلبی دیگر : مثل اینکه خود را جلوی ماشین سفارزه از بیم پول مکرر و یا اینکه طلای
 بومی را جای طلای اصلی بفروشد و یا خودروی چینی را به جای خودروی اصلی بفروشد و یا اینکه

1 خود را به بیماری بزند و مدارک بیماری محیا کند تا از مردم پول بگیرد و یا خود را به گوری بزند و در آن کند
2 و یا اینکه برخی مرغوب م ثمانی آن در دهد و کسی برخی نامرغوب تحویل دهد یا زمین مرغوب نشان دهد
3 و زمین نامرغوب به نام ثمانی بزند

4 **موارد تفسیر جرم و مجازات کلاهبرداری:**

5 ۱- اتخاذ عنوان یا صفت مأخواریت از طرف یکی از قوای سرگانه
6 ۲- استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، مجله یا نقوش در جمع
7 و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی
8 ۳- مزید از کار رفتار دولت باشد

9 **نکته:**

10 وسائل ارتباط غلط است بلکه باید بودیه وسائل ارتباط جمعی
11 **علت تفسیر در مورد اوم:** چون مردم اعتماد دارند باعث افعال شستنی می شود و امر از شستنی فریب
12 می خورند و از مردم طلب اعتماد می شود.

13 این موارد در مورد اوم خصی نیست بلکه تسلی است
14 آیا نفوق لازم است چند جا باشد و یا اینکه در یک جا هم کفایت می کند؟
15 خصی این و نفوق در یک جمع هم کفایت می کند البته باید صدق نفوق در جمع صورت گیرد پس در جمع در میان
16 نفوق نیست، باید توجه شود که در نفوق در جمع حضور چنینی لازم است پس فقط بخش صد کفایت می کند.
17 آیا این آگهی چاپی و یا خطی لازم است یا خط او باشد؟
18 **چیز نیاز نیست**

19 آیا این آگهی چاپی و خطی به صورت محدود در ملک است و یا به صورت گسترده؟
20 در این جا منظور به صورت گسترده است و الا انتشار صدوق نفر کند مثلاً برابر ۲۰ نفر. البته تعداد
21 انتشار صدوق عمومی است

22 **مطلب کارمند دولت باشد:**

23 الف، در صورت استفاده از ملک مجازات تفسیر می شود و یا اینکه به صورت مطلق تفسیر می شود (چه از ملک استفاده
24 کند چه استفاده نکند) ؟
25 ب، حال باخته براندازند؟ تا شستنی ندارد

1. نظم حقوق‌مداران: زوایله مرتکب از این عنوان و تحت استفاده کرد مجازاتی که بر او می‌شود در غیر این صورت مجازات او عادی است.

2. نظم قانون: همین اندازه که مرتکب کارمند دولت باشد مجازات او تشدید می‌شود.

سوال:

3. اگر فردی کلاهبرداری کرده و بعد از کلاهبرداری به امر تمسکین حال باعث اتخاذ حکم شود آیا باعث تشدید می‌شود یا خیر؟

4. باعث تشدید می‌شود زیرا باید با اتخاذ حکم کلاهبرداری تمسکین در اولی در این جا کلاهبرداری کرده و بعد جعل عنوان نموده پس در این جا تعدد جرم وجود دارد تشدید مجازات.

5. اگر کلاهبرداری غیر انسانی را تعزیر دهد و چیزی را ببرد آیا کلاهبرداری صدق می‌کند مثل اینکه طاعت بماند و جعل کند و حال بهر دو در آن جایی که افعال به این انسان است پس در این جا افعال صدق نمی‌کند.

نکته:

6. با توجه به ماده 1 و نظر اداره من حقوق قوه قضائیه مراد از دلبلی اعم است از شخص حقیقی و حقوقی پس کلاهبرداری می‌تواند از شخص حقوقی هم باشد مثل اینکه تصادف ساختگی در دست می‌کند تا از بیم پول بگیرد پس قیدی که بر این اشخاص حقیقی آمده سید غالبی است.

نکته مهم:

7. رابطه سببیت من توسل، افعال و برده شدن مال و بعضی توسل بر او می‌کند و باعث افعال می‌شود و مال را می‌برد پس اگر با وسایل متعلقه نه دهنی را قبول بزند و با او ازدواج کند و بعد جرمه را ببرد در این جا کلاهبرداری صدق نمی‌کند چون رابطه سببیت من وسایل متعلقه نه افعال و ازدواج است پس جرمه را می‌برد پس سببیت من می‌شود سببیت.

8. هم همین اثر جعل بزرگ بود و نسبت به اداره این استخدام شد و بعد حقوق گرفت در این جا هم رابطه سببیت من وسیله متعلقه نه تا استخدام است نه خاطر گرفتن مال.

نکته:

۷. لازم است افعال عدمی اگرچه مال باخته به تعلق بودن وسائل است پس اگر مال باخته بدانند ربطه متعلقانیه است پس افعال عدمی در نتیجه کلاهبرداری صدق نمیکنند. مثل اینکه بیم بدانند آتش سوزی مخدوم بوده ولی باز خسارت را پرداخت کند. یا اینکه باغچه باغچه بسوزد و در آن مغازه ای شود و با علم به تعلق بودن آن را بخرد در این حاکم کلاهبرداری نیست.

۸. مال غنیم: کلاهبرداری زمانی تحقق پیدا می کند که مال برده شده متعلق به دیگری باشد پس اگر کسی با توکل به وسائل متعلقانیه مال خود را برد کلاهبرداری صدق نمی کند.

۹. مثل اینکه با وسائل متعلقانیه شکر را خرید برهد تا اینکه مال خودش را بر او یا مالی دست مرتبه است. یا راهن با توکل به وسائل متعلقانیه مرتبه را خرید می دهد و مال خودش را می برد و با اینکه بوجه مستأجر را خرید می دهد و مال خودش را می برد.

۱۰. حال: کلاهبرداری جرم علیه مال است پس اگر با وسائل متعلقانیه و افعال عدمی غنیم مال را برد این کلاهبرداری نیست. مثل اینکه دختری را با وسائل متعلقانیه خرید دهد و با او ازدواج کند و یا اینکه با وسائل و خرید شکر کند.

نکته:

۱۱. حواله و تحویل و سلمه و تحویل مال دوستی به محض اینکه اینها حاصل شدند کلاهبرداری صدق نمی کند پس با بر مال را تحویل نگردد تا کلاهبرداری صدق کند.

سوال:

۱۲. اگر فردی با توکل به وسائل متعلقانیه و افعال دلبازی یک وضعیت حاصل کند مثل اینکه سنا سنا همی خود را دست کار کند تا حق بیمه کمتری ببرد از نزد و یا اینکه خودش را معلول نشان دهد تا شخصی او را به صورت ارطغان بوسازد و یا اینکه فرد صاحب نفوذی را معرفی کند تا دیگران به صورت ارطغان بوسازد او کار کند. آیا در اینها کلاهبرداری صدق می کند؟

۱۳. در بعضی کشورها این موارد را حکم کلاهبرداری می دانند ولی در قانون ایران به علت عدم تقسیم در قانون و اصل تقسیم مصنفق قوانین لغزشی می شود گفت که کلاهبرداری نیست.

در بردن مال دیگری ۲ آیه هائیک اهمیت است :

- * (۱) در رد ضربه مال باغنه (۲) انتفاع کلاهبرداری یا نمود مورد نظر در
- * این اگر بخواهیم غرضش برای انتقام از جرم صنف خود می نویسد من خبر دارم که قرار است به جای پول
- * نفقت به ریخ وارد سازد کند. این شخص می بیند از برنج هائیک را رنگ دارد ضربه می کند برای همین
- * برنج های خود را از قیمت غرضش در این جا تمام شد اری محقق است مثلا انتفاع کلاهبرداری
- * کلاهبرداری نیست.

شروع به کلاهبرداری :

چند نکته :

- * (۱) خود شروع عبارت است از یک جرم ناقص
- * (۲) شروع به جرم زمانی است که خود مرتکب قصد ارتکاب جرم را کرده، اقدامات اولیه را انجام داده و دلیلی به دلایل خارج از اراده می او جرم تمام محقق نشده است.
- * (۳) در قانون ۱۳۷۰ ماده ۴۱ و تبصره می آن که بر این شروع به جرم است آیا در شروع به جرم اصل بر این است که جرم است یا نه؟
- * خلاصه که ماده ۴۱، ۱۳۷ را ملاحظه می کنیم می بینیم که شروع به جرم، جرم نیست غیر از مواردی
- * که قانون گذار تصریح می کند اما وقتی مواد ۱۲۱ تا ۱۳۲ را ملاحظه می کنیم می بینیم که شروع به جرم، جرم است مثل مواردی که قانون گذار تصریح کند جرم نیست.
- * ماده ۱۲۳ مملک در شروع به جرم را مملک ذهنی مستقیم می داند (غیر هئیک شخص قصد ارتکاب جرم را داشته باشد کفایت می کند) مثل اینکه شخص اسلام را بخرد به طرف فراری
- * نشانه می رود؛ اما اگر اسلام را فقط به نیت قتل بخرد به دلیل اینکه این مقدمه غیر مستقیم است شروع به جرم نیست.
- * پس مملک یا عینه است مثل خرید اسلام به قصد قتل و نشانه نمی و تسلیک انابه دالیه خطایه می رود یا مثل خرید نردبان به قصد سرقت و به کارگیری آن و انجام زردی
- * یا مملک ذهنی مستقیم است مثل خرید اسلام به قصد قتل و نشانه نمی و یا خرید نردبان به قصد سرقت و به کارگیری آن

۱. دیا ذهن غیر مستقیم است مثل خرید نردبان به قصد سرقت و یا خرید ابله به قصد قتل.

۲. مجازات شارع کلاهبرداری:

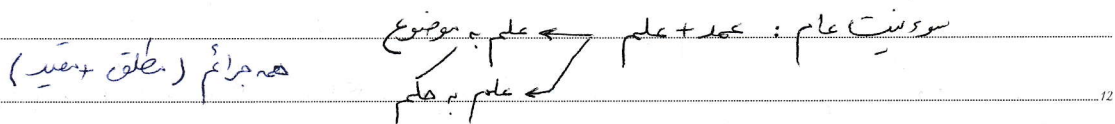
تبصره ۲ ماده ۱ قانون تعدد مجازات ...

۳. اگر فردی شرع به جرمی کند که حق ارتکار مرتکب و اقدامات مرتکب تمام هم شود جرم مورد نظر در این انجام نمی شود آیا در این جا جرمی محقق شده؟

۴. طبق ماده ۱۳۷ خود عمل جرم نبوده پس به طریق اولی شرع به آن هم جرم نیست اما طبق تبصره ماده ۱۲۲ (۱۳۹۲) شرع به جرم محال را جرم دانسته است.

۵. **اشغال:** باید توجه شود که قانونگذار هیچ جرم تام و ناقص فرق نگذاشته است و طبق این حرف بیان فقها در مورد تجریم لغوی می شود.

۶. (۳) عنصر معنوی:



۷. سوء نیت خاص، قصد نتیجه، فقط جرائم مقید

۸. **نقص انگیزه در جرم:** انگیزه تأثیری در جرم ندارد مگر در موارد خاص که قانونگذار تصریح کرده باشد مثلاً در جرائم علیه امنیت و اساس که انگیزه جرم نگاری شده است.

۹. **نقص:** در کلاهبرداری با علم به تقلب بودن وسایل یا سند مثل انقضای جعلی دیگری را فروختن دهد پس اگر علم داشته باشد که سرک در دست است ولی بعداً کشف خلاف شود که جعلی است

۱۰. کلاهبرداری صدق نمی کند.

سوال:

۱۱. اگر کسی احتمال تقلب بودن وسایل را میدهد لازم است تحقیق کند یا خیر و اگر استفاده نمود و عال را بدد آیا کلاهبرداری است یا خیر؟

در حقوق اللس احتمال را قاطعاً علم می دانند ولی در حقوق ایران احتمال علم نیست پس در این جا کلاً هم داری نیست و نیاز به تحقیق نمی باشد.

شکست و معاونت در کلاهبرداری - مواد ۱۲۵، ۱۲۶ و ۱۲۷ ق.م.ا.س

مجازات کلاهبرداری: ماده ۱ قانون تدبیر مجازات ...

۱) عاری - الف - تا ۷ سال حبس - ب - رد مال - ج - مجازات تقدیری به میزان حال برده شده

۲) مشدد - الف - ۲ تا ۱۰ سال حبس - ب - رد مال - ج - مجازات تقدیری به میزان حال برده شده - د - انفضال دائم از مشاغل دولتی

سوال:

در صورتی که کلاهبردار در حال زندان حکم حبس می بخشد

ماده ۶۹۴ قانون تعزیرات. در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با منوش اموال محکوم علیه به جز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفاء حقوق محکوم له، محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود.

آیا می شود مجازات حبس را تخفیف داد؟ یعنی مثلاً حداقل میزان حبس را اجمال کرد (چه در عادی و چه در مشدد).

تبصره ۱ ماده ۱ تدبیر مجازات ... در طلمه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جرات و کیفیات مخفف دادگاه می تواند با اجمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را حفظ تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفضال ابد از خدمات دولتی تعلیل دهد ...

مجازات شروع به کلاهبرداری: تبصره ۲ ماده ۱ تدبیر مجازات ...

۱- حداقل حبس جرم انجام شده

۲- اگر فعل انجام شده عنوان جرم آن در مجازات همان فعل در مورد اجمال می شود مثلاً اگر جعل هم انجام داده مجازات آن را هم می کشد.

۳- انفضال تکلیفی (یعنی اگر مرتکب و بالاتر برود انفضال دائم و اگر پایین تر از مرتکب بود انفضال موقت)

نکته:

- ۲- صدور اقسام طلا هم داری یعنی اینکه قانون نذار انزوا را در حکم طلا هم داری دانست.
- ۱- وراثتگی به نقل ماده ۵۴۹ ق.ت
- ۲- وراثتگی به تقصیر ماده ۵۴۱ ق.ت
- ۳- تبانی در معاملات دولت ۵۹۹ ق.ت. تعزیرات
- ۴- طلا هم داری در امور ثبتی - الف - تقاضای ثبت ملک منقول به دیگری ماده ۱۰۵ ق.ت ثبت
- ب - انجام معامله معارضین ماده ۱۱۷ ق.ت ثبت

حک:

اولین بار حک حدود ۱۳۷۵ میلادی در ایران بوجود آمد.

حک از جمله اسناد تجاری داری اعتبار بالایی است و امروز مردم به راحتی با حک معامله میکنند.

قانون نذار در ایران به نوعی ردیال این بوده که حک را جایگزین پول کند تا خطر هتک از حک

حاکمیت کفتری کرده است در حالی که از قبیه اسناد تجاری ماسه حواله و سفته حاکمیت کفتری ندارد.

تعریف حک و ماده ۳۱۰ ق.ت تجارت

- ۱۶- آیا این تعریف میتواند تعریف حک کفتری باشد؟
- این تعریف حک کفتری نیست زیرا اولین قدمی که وجود دارد لقمه است حک نوشته این است در حالی که در ماده ۳۱۸ ق.ت م گفته شده حک سندی است پس وقت سند باشد در مقام دعوی قابل استناد است پس نوشته صرف نیست.
- ۲- این طعم حال علیه حک کلمه مطلق است که شامل بانک و مؤسسات قرض الحسنه، صرافیه ها باشد در حالی که بر اساس قانون حک زمانی می توانیم بگویم کفتری است که محال علیه آن بانک رسد باشد و این از ماده ۲ و ماده ۸ قانون حک فرسوده می شود.

تعریف کفتری حک و حک سندی است که به موجب آن صادر رسد به بانک محال علیه دستور دهد تا

دعوی موجود در آن را در آن بانک کلاً یا بعضاً مسترد داشته باشد به محال علیه پرداخت

کنند.

۲ حکم بلا عمل حکم بر دافت نشدن:

* حکم بلا عمل یعنی آنکه موجودی که فاقد نسبت افعال بر دافت نشدن یعنی آنکه باطل به علل قانونی
 حکم را بر دافت نشدن مثلاً محل ندارد و یا اینها تطابق نمیکنند. پس حکم بر دافت نشدن اعم
 از حکم بلا عمل است.

۶ نکتہ:

* حکم در امور عمومی چون سزا است من قابلیت ابطال در مقام دعوا را ندارد و هر چه ادله دعوا
 است.

سوال:

* آیا حکم کفیفی بر دافت نشدن قابلیت خصوص (قابل لغت) دارد یا عمومی (غیر قابل لغت)؟

* طلق موارد ۹، ۱۱ و ۱۲ قانون حکم جنبه عمومی دارد.

انواع حکم:

* در ماده ۱ قانون حکم انواع حکم را ذکر کرده است.

* آیا هر حکم قابلیت شکایت کفیفی دارد یا محدود به موارد خاصی است؟

* حکم همیشه قابل شکایت کفیفی نیست و موارد آن در قانون مشخص است.

موارد قابلیت شکایت کفیفی از حکم:

* ۱- دارا نبودن محل یا عدم کفایت آن در تاریخ مندرج حکم

* مثلاً آقای الف حکم در حد در تاریخ ۱۳/۱/۹۶ به مبلغ ۵ میلیون. در دم بانک و هرگز

* که وجه نقدی در حساب نمیباشد و یا اینکه هرگز مبلغ کم تر از حکم است. امروزه در امر این مورد

* مورد شایع ترین مورد است. ماده ۳ قانون حکم.

نکتہ:

* در صورتی که موجودی در حساب کمتر از مبلغ حکم باشد به تقاضای دارنده حکم

بابت ملّف است مبلغ موجود حساب را به دارنده سپردار زد و دارنده با تقد مبلغ دریافت
 شده در وقت همان حک و تسلیم آن به بانک گواهی نامه‌ای مکمل بر مشخصات حک
 دریافت می نماید. ماده ۵ قانون حک
 ۴ از آن جا که هنوز یک میلیون باقی مانده (یعنی حک ثبت به آن یک میلیون بی محل است)
 ۲ گشودن تمام باقی مانده از وجه که به اعتبار آن حک صادر شده است
 ۶ یعنی به نوعی در زمان صدور حک دارایی محل بوده اعداد زیر نشان می دهد دارنده حک با محل
 صادر کننده فاقد محل شده. ماده ۳ ق. حک

سوال ۸

آیا در جایی کردن حساب مباشرت مستقیم شرط است یا غیره یعنی لازم است خود فرد
 حساب را خالی کند؟
 ۱۰ غیر مباشرت شرط است بلکه توان از طریق خود در پیش حساب را خالی کند یا اینکه بعد از صدور
 ۱۲ حک حساب را مسدود کند.
 ۳ دستور عدم پرداخت وجه حک به بانک ماده ۳ ق. حک

نکته ۱۴

در مواردی برای صادر کننده، قائم مقام در ارت، قیم، ذی نفع (مثل مهرنوس) جای است که
 ۱۶ دستور عدم پرداخت دهد. ماده ۱۴ ق. حک
 هم چنین اگر حک در امضاء باشد باز هم تمام از امضاء گدگان می تواند دستور عدم
 ۱۸ پرداخت دهند.

در ماده ۱۴ مواردی را قانون ذکر کرده که دارنده، ذی نفع، قائم مقام، قیم می تواند
 ۲۰ دستور عدم پرداخت دهند.

۱- محل ۲- کلاهبرداری ۳- سرقت ۴- مفقود ۵- حیف
 ۶- جرائم دیگر مثل سرقت ماده ۴۴۸ ق. تعزیرات، ربا ماده ۵۸۵ ق. تعزیرات
 پس هرگاه حک بر اثر جرم از دست دارنده ذی نفع خارج شود در این ام آر می تواند

دستور عدم پرداخت دهند.
 در صورتی که دستور عدم پرداخت داده شد بانک موظف است که مبلغ را پرداخت نکند.
البته باید توجه شود که:

- * ۱۱ دستور عدم پرداخت باید به صورت کتبی باشد.
- * ۱۲ بانک باید احراز هویت دستور دهنده را انجام دهد.
- * **وظیفه دستور دهنده: تبصره ۲ ماده ۱۴**
- * کسی که دستور عدم پرداخت داده است از آن جایی که مدعی است باید ظرف مدت ۷ روز گواهی تقدیم شکایت به بانک تحویل دهد.

سوال:

- ۱۰ آیا دستور دهنده می تواند نامی شهودی انتظامی را منتهی بر مثلاً سرقت کردن حکم به بانک ارائه دهد؟ آیا بانک موظف به قبول است؟
- ۱۲ از آن جایی که شهودی انتظامی ضابطه دادگاه است باید قبول کند ولی در حکم حکم به نظر می رسد که باید هم دادگاه این نامه را دهد نامی شهودی انتظامی کفایت نمی کند.
- ۱۴ اگر صادر کننده ظرف مدت ۷ روز گواهی تقدیم شکایت را به بانک نداد حکم چیست؟
- در این صورت بانک دیگر نمی تواند پرداخت نکند و بعد از گذشت ۷ روز حکم را پرداخت می کند.

حقوق دارنده حکم:

- ۱۵ دارنده حکم حق شکایت کفیزی دارد؛ در صورتی که شکایت کفیزی کرد دو حالت پیش می آید:
- ۱۰۱) صادر کننده ثابت می کند که بر اساس ماده ۱۴ دستور عدم پرداخت داده که در این صورت صادر کننده مسئولیت کفیزی ندارد.
- ۱۰۲) صادر کننده نتواند ثابت کند که دستور عدم پرداخت او ناشی از ماده ۱۴ بوده که در این مسئولیت کفیزی است و هم چنین باید خسارت وارده را جبران کند.

۱- تقدیم دستور عدم پرداخت به صورت کتبی

پس:

۲- تقدیم تراش ضمانت در مدت ۷ روز

۱- اقرار هویت

۲- عدم پرداخت در ظرف مدت ۷ روز

۳- پرداخت بعد از ۷ روز در صورت عدم تقدیم تراش ضمانت

حق دارنده -> حق ضمانت کتبی

۴- تنظیم حد به صورت نادرست:

۱- عدم تطابق امضاء: یعنی امضاء صادرکننده حد باید مطابق نمونه امضای کتبی باشد

است

نکته:

۱۲- اگر یک حد هم دارای امضای است و هم دارای هر دو یکی در یک مهر خورده و فقط امضاء

دارد به نظر رسیدن مورد هم جنبه کتبی دارد.

۱۴- اگر طره صادر شد ولی قائم امضاء بود از آن جا که صادرکننده ندارد (حون امضاء

ندارد) پس جنبه کتبی هم ندارد (یعنی از نظر صادرکننده).

سوال:

۱۶- اگر یک دو امضاء بود ولی یک امضاء موجود بود آیا قابلیت تعقیب کتبی را دارد؟

۱۸- نظم اول: قابل تعقیب کتبی است و بانک باید همان یک امضاء پرداخت کند

نظم دوم: از آن جا که ناقص است پس قابل تعقیب کتبی نیست.

۲۰- اختلاف در سنجحات ملک: مثلاً مبلغی را که به عدد نوشته است با عددی که به حروف نوشته

مطابقت نمی کند مثل: ... ۳۰۷ ریال ... سه میلیارد ریال

۲۲- در قانون تجارت مواد ۲۲۵ و ۲۱۴ بیان شده دارد:

۲۲۵] ... اگر مبلغ بیش از یک دینم با تمام حروف نوشته شود و بین آنها اختلاف

بانک مبلغ کمتر صادر اعتبار است، اگر مبلغ باهروف در رقم هر دو نوشته شده و بین آنرا اختلاف
بانک مبلغ باهروف معتبر است.

۳۱۴ صدور حکم ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً محل تجاری محسوب نیست لکن مقررات این قانون
از ضمانت صادر کننده ... در ابع به بروات شامل حکم نیز خواهد بود.

۴ آنچه در قانون تجارت آمده در مقام اثبات دین است اما در مورد حکم بانک در مقام اثبات
۶ دین نیست یعنی وقتی به بانک ارائه شد، بانک میسند و دستور متناقض وجود دارد، بانک تنها
کاره که می تواند انجام دهد گواهی عدم پرداخت است و برای اینکه حکم بانکی بین اسکناس است
۸ بین همین ی گفتنی بود اگر کند پس نمی توان قانون تجارت را به حکم بر است داده.

۵ - صدور حکم از حساب مسدود

۱۰ مثل اینکه ۲ ماه پیش حساب را بسته ام اما هنوز رسته حکم را دارم و حکمی گفتم.

این مورد مجاز است. ماده ۱۰۰ حکم [حکومت با علم به بسته بودن حساب بانکی مبادرت به
۱۲ صدور حکم نماید محل و در حکم صدور حکم بی عمل خواهد بود و به حد اکثر مجازات سزایم در ماده ۷

معلوم خواهد شد.

۱۴ قانون گذاران مورد را نفی کرده اند پس دانسته بین علم به مسدود بودن شرط است.

سوال:

۱۶ آیا می توان از حساب مسدود حکم صادر کرد چنانچه محققه شامل او می شود؟
ظاهر آن می شود و مانع ندارد و هر چه قاضی می تواند آن را تبدیل کند.

حکم های غیر گفتنی و ماده ۱۳۰ ق.حک

از آن جایی که در موارد زیر حکم بانکی بین اسکناس نیست بین همین ی گفتنی هم ندارد.

۱- گذشت زمان: یعنی اگر ۶ ماه از حکم بگذرد همین ی گفتنی آن از من می رود.
۲- در صورتی که ثابت شود حکم سفید امضاء داده شده: پس اگر صاحب حکم بگوید و دارند
بنویسد این حکم سفید امضاء نیست و لو اینکه فرادانویسد.

حکم سفید امضاء جعل نیست زیرا با ضمانت صاحب حکم این کار انجام شده.

۳- حکم: در متن حکم وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد: البته بانک این حکم
 ۲- حباب پرداخت می کند و کار به پیش کار ندارد و در صورتی که در حساب پولی نباشد فقط اجتناب
 کفایت می نماید.

۴- بنابراین در حکم ذکر شده باید اطمینان حاصل شود که اشیاء تضمین است.

۵- در صورتی که محاسب گردید بدون تاریخ صادر شده یا تاریخ محدود معین بر تاریخ مندرج
 ۶- است: پس حکم های مدت دار جنبه کی گفتری ندارد بلکه حکم های روز جنبه کی گفتری دارند.
 البته اشیاء مدت دار بدون یا صادر شده است.

۸- **عناصر جرم صدور حکم پرداخت نقدی:**
 عنصر قانونی:

۱۰- ماده ۷ قانون حکم **←** مجازات اصلی: حبس
 مجازات تفریغ: ممنوعیت از داشتن دستمزد حکم به مدت ۲ سال **←**

۱۲- عنصر مادی:

۱- در صدور حکم پرداخت نقدی رضای غیرتقریبی صادرکننده یا مغلط مادی سبب است که در هر ۵ مورد
 ۱۴- متفاوت است مثل بیرون کشیدن وجه از حساب، محدود کردن حساب، دستور عدم پرداخت
 ۲- نتیجه حاصله: عدم پرداخت وجه به دارندگی حکم، پس جرم مقید به حصول نتیجه
 (علم پرداخت) است.

۱۶- **نکته:** مرجع رسیدگی جایی است که بانک محال علیه در آن جا قرار دارد
 ۱۸- مثلاً بانک ملی شعبه قم.

عنصر روانی:

۲۰- نیازی به اثبات عنصر روانی نیست فقط ادراک مورد علم شرط است که آن هم صدور حکم
 از حساب محدود است.

۲۲-

سرقه :

تقریباً زمانیکه که از سرقه بحث می‌کنند ، غالباً در مورد سرقه حدی است زیرا اشراطی را که نام می‌برند
 حکم مربوط به سرقه حدی است ولی سرقه تعزیری ممکن است هیچ کدام از آن شرایط را نداشته
 باشد چون مثلاً اگر مجنون یا صغیر سرقه کند آنها را تأیید می‌کنند .
 ثانویاً نثار در سال ۱۳۷۰ سرقه را استیفاً تمیز کرده بود چون تمیز به طور خصیانه را آورده بود
 که شامل تعزیری سرقه تعزیری نبود .

تعریف قوما از سرقه (السرقه اخذ مال محفوظه) فقط سرقه حدی است .

ماده ۹۴۷ : سرقه عبارت از ربوای مال منقوله به غیر است .

رکن اول : ربوای

لازمی ربوای امکان جابجایی و نقل است لذا سرقه در مال غیر منقول اتفاق نمی‌افتد .
 منظور از غیر منقول ، غیر منقول ذاتی مثل خانه و زمین است ولی ربوای غیر منقول غیر ذاتی مثل
 وسایل کثا و زرزی که در قانون سرزین آنها را در حکم غیر منقول می‌دانند مشمول سرقه می‌شود .

رکن دوم : مال بودن

یعنی بر آن شیئی که برده شده حالت صدق کند . مال عبارت است از هر آن چیزی که مورد رعایت
 و میل مردم است و شارع از آن انحاء مالیت نکرده است .

در مورد اینکه آیا اسناد مال هستند یا نه دو نظر وجود دارد :

۱- دکترم کلهر در این اسناد مال نیستند لذا ربوای آنها سرقه نیست زیرا اسناد حاکی از مال هستند

۲- دکتر میرمحمد صادقی : اسناد خودشان مالیت دارند لذا ربایش آنها سرقه است .

در مورد اینکه ربایش منافع سرقه است یا خیر می‌گوئیم :

به صورت عین خارجی درآمده است مثل سیوهی بر روی درخت ؛ ربایش آنها سرقه است

۱- اگر خفیه جلا کنند سرقه نیست .

۲- به صورت عین خارجی درآمده و منفعت محض است

سید محمد حسینی از سی معتقد به سرقه است

سید محمد حسینی از وی انگونه مثال می‌زند که شما در یک شب سرد زمستان کلافه‌ها را می‌خورید و مجبور به گرفتن یا اجاره کردن آن از همسایه‌ها می‌شوید اما سابق آن کلافه را از شما می‌دزدند و شما از منافع آن محروم می‌کنید.
 ۲. یا اینکه شما مثلاً یک کوزه‌ای را اجاره کرده‌اید تا از آن استفاده کنید، چنانچه سابق آن را از شما بدزدند
 ۴. شما را از منافع آن کوزه محروم کرده‌اند و این نیز سرقه است و هر کس که سرقه‌ها را می‌داند
 هر چند شاید با قاعده‌های محدودتر آداب الهیهات آن را سرقه تعزیری بدانیم.

۶. نکته:
 در مورد آنکه بدون اذن انسان و اعضاء او سرقه است یا نه می‌توانیم بگوییم:
 ۸. اگر آن جانوری که غیر از انسان است در مقابل فرزند و فرزند هم باشد که از اربابش آزار سرقه محسوب می‌شود اما نسبت به انسان حکم اختلاف است:

۱۰ الف: عده‌ای معتقدند انسان آزاد اصلاً مال نیست تا اربابش او سرقه بدارد، لذا اگر کسی انسان را
 جزای را بر او باید تحت عنوان آدم ربایی مورد مجازات قرار می‌دهند.
 ۱۲ ب: عده‌ای دیگر معتقدند بدون اذن انسان حکم سرقه است به اعتبار لباس و اسبابی که همراه او
 می‌باشد یا به اعتبار سوار شدن که انسان نمی‌تواند از خود دفاع کند مثل
 ۱۴ مثل مال است و نمی‌تواند از خود دفاع کند.

۱۶ اما در کل فقوای برابرش انسان هر را سرقه می‌دانند.

۱۸ اعضاء انسان
 ۱۶ انسان زنده است - قضا عفو یا نه
 ۱۸ عضو مستقل به انسان باسد - در جرم علیه اشخاص آن بحث می‌شود - انسان زنده است - اید حیاتی برسد

۲۰ اعضاء که از انسان جدا شده و در بانک اعضاء نگهداری می‌شود - سرقه است چون در این جا اعضاء حالت
 دارند و مردم در مقابلش پول پرداخت می‌کنند
 ۲۰ نکته: متعلق به دیگری بودن
 ۲۲ بعضی مالکی نام برده می‌شود باید متعلق به دیگری باشد و این دلایلی مهم از حیث حقیقت و حقوق است.

۲۲ این محض مال خود یا اموال بی‌مالک را سرقه است.
 نکته:

ماده ۲۴۸:

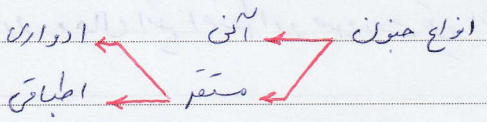
* ماده ۲۴۸ شرایط سرت حدی را بیان می‌دارد و در صورتی که حتی یک بند از آن موجود نباشد سرت حدی نخواهد بود.

* البته لازم به ذکر است قبل از این شرایط یکم شرایط عامه‌ای تلفظ ذکر شود مانند عقل، بلوغ و...

* لذا اینجا نیز فرد غیر بالغ یا عقیم دزدی کند و حدی شرایط ماده ۲۴۸ را دارا باشد باز سرت حدی نخواهد بود.
* هر چند شیخ حلوتی می‌گوید اگر صبری پنج مرتبه دزدی کند، در سرتبای پنجم سرت حدی می‌شود که این نظر شاذ و نادیده است.

پس:
۱. بلوغ

* ۲۱۰ عقل که در مقابل آن جنون وجود دارد.



* آنچه در این مسئولیت است جنون مستقر است. اگر چه در حال افاقه وجود کند دارای مسئولیت لغوی است و در غیر این صورت مسئولیت ندارد.

* اگر در شخص شک کنیم که هم را در حال افاقه انجام داده یا در حال جنون دوره این استصحاب حالت سابقه می‌کنیم.

لذا اگر کسی در حال جنون سرت کرد حدی او جاری نمی‌شود ولی تعزیم می‌شود.

* ۳۱۸ اختیار بین اگر آراه وجود است مسئولیت لغوی ندارد [نه حد و نه تعزیم].

* آراه تا زمانی که عقل نفس نکرده مجوز است و سب ضامن است نه مباشر یعنی اگر عقل رسد دیگر آراه مجوز نیست و در این جا مباشر مسئولیت دارد سوا ۱۵۱ ق. مجازات و ۳۷۵ ق. مجازات.
* اما در اجبار در هر صورت سب مسئول است نه مباشر.

* ۳۲۰ فقدان اشتباه.

موضوعی: مثل اینکه اتفاق تاریک بود من زن غریبه ای را به حیوانی اندک همسوز من است...

حکمی: مثل اینکه فلان کرده بصرف رضایت زن، زن به او حلال می شود (و یا اینکه شوهری کاره به اسلام روی آورده و افراد آن خیال می کنند حلال است.

اگر استباه مؤمنی در سبقت رفع دهد، اصلاً سبقت محسوب نمی شود مثل اینکه خیال می کرده مال خودش

بوده ولی بعد آ معلوم کرده مال خودش نیست. ماده ۱۴۴ ق. مجازات

استباه حکمی در سبقت مثل اینکه فردی علم به حرمت سبقت ندانست، حد بر او جاری نمی شود مواد

۱۵۵ و ۲۱۷ ق. مجازات

۵) عدم اضطرار

۸) اگر سبقت از روی اضطرار بود ضرر داران مسئولیت کفایت نیست ولی داران مسئولیت مدنی است.

۱۰) بعضی نویسنده (اضطرار هم رافع مسئولیت کفایتی و هم رافع مسئولیت مدنی است اما ضمن درت فقط رافع

مسئولیت کفایتی است بین مسئولیت مدنی را دارد و حال اینکه اضطرار او ضرورتی است و

۱۲) هر دو داران مسئولیت مدنی هستند.

شرایط سبقت حدی:

۱۱) مال بودن.

۱۲) در حوز بودن:

۱۶) مالی که سبقت شده باید در حوز بوده باشد. عده این حوز بودن را قبول ندارند چه در حوز باشد و چه نباشد سبقت را حدی دانسته چه مقدار این که باشد.

۱۸) قانونگذار در ماده ۲۹۸ یک اصطلاحی نسبت به سبقت ماده ۱۹۷ قیدیم دارد: مالک مال را در حوز

تقرار داده باشد ولی الآن گفته شده مال در حوز باشد. زیرا در مورد قبلی اگر مثلاً حسابی مال را در حوز می گذاشت، این حوز محسوب نمی شد.

حوزهیت؟ ماده ۲۴۹

۲۲) حوز عبارت است از مکانی مناسبی که مال عرفاً در آن از دستبرد محفوظ بماند.

تصرف فقهی: سرچشمه شیخ طوسی می فرماید از عبارت است از جایی که سبقت در آن در حفظ

۱ است. این چهار اشکال است زیرا اسرار در بیان عموم در حفظ است اما در این موارد را سرت از حزن نماند.

۲ مرحوم شیخ در تعریف دوم می فرماید حوز عبارت است از جایی که در در آن بر این غیر مصدق یا مأذون من قبله سکن نماید.

۳ **اشکال ابن ادریس:** اگر خانه ای باشد که در ندارد، چه که حق درود دارد، صاحب خانه و مأذون از احوق دارند اما دیگران این حق را ندارند پس اگر فردی از این خانه سرت کند صحت تقویت شیخ باید حوزی باشد ولی هیچ کس این را حوزی نمی داند.

۴ مرحوم شیخ می فرماید حوز ← حوز مکانی (مداری) مثل اندک داخل کا و صندوق باشد حوز غیره (مراعاتی، حقیقی، غیر مداری) مثل اندک چوبانی کوسفندان را به هم می برد تا زمانی که کوسفند حای خود را می بیند این حوز است و در صورتی که چشم از آنها برد و مثلاً بخورد دیگر حوز نیست.

۵ ۱۲) مرحوم شیخ در تعریف سوم خود می فرماید اگر چیزی حوز بر این یک چیز بود این حوز بر این اشیاء و کلام می باشد مثلاً اگر طویل حوز بر این گاو کوسفند است پس حوز بر این طلا و جواهرات هم هست.

حفظ نکته:

۱۳ قانون نزار حوز را مکان می داند پس حوز چشمه خارج می شود. از آن جایی که گفته مناسب است پس تعریف سوم شیخ خارج می شود. از آن جایی که شایع حوز را بیان نکرده و مصداق بر این آن نیامده پس باید به معرفت هر اجماع بود و در این صورت در زمان و مکان های متفاوت حوز متفاوت می شود.

سوال:

۱۴ اشیاء یک مکان طبیعی دارند و یک مکان شناسب حال اگر سرت از مکان طبیعی شود آیا این حوز محسوب می شود؟ مثل اندک مکان طبیعی گردند، گردن است و مکان شناسب او در کا و صندوق و مانند آن یا انگشتر که مکان طبیعی آن در انگشت است و مکان شناسب آن مثلاً در گردن غیر مکان طبیعی حوز نیست.

۱ آیا ما سئین که در دگر دارد هر ا با قصل فزان ، اما در کوشه حیایان ، یا یک است آیا اینها جز است ؟
 ۲ غیر زیر امکان آن متناوب نیست ، اگر کسی ضبط ماسین و یا زاپاس آن را ببرد این جز است
 ۳ زیر ماسین مکان متناوب بر این است هم چنین اگر از این ماسین کیف یا طبله ببرد شود
 ۴ این حدی نیست زیرا اینها در مکان متناوب نبودند .

نکته :

۶ بار کسنگ های عمومی که در روز در آب آبیاز است هرگز محبوب نمی شود و کسی در شب که در آبها بسته است هرگز محبوب می شود .

۱۳ به صورت مختصانه :

الف - یعنی جمیع کس سارق را ببندید اشکال : در محبت انبات سرتت به شکل می خوانم
 ب - مانگ سارق را ببندید

ج - سارق عملیات را مختصانه انجام می دهد یعنی حوری رفتار می کند که او را ببندید ولو آنکه
 ۱۲ کس او را ببندید یعنی این مختصانه بودن مربوط به سارق است .

۱۴ حکم جزو : ۲۷۱ ق مجازات اسلامی

۱۴ اگر کسی به طور عمده مجرم جزو گردد و بعد مال را ببرد آیا این سرتت حدی است ؟
 غیر زیرا این سرتت از جزو نیست پس در جزو تجزیه مجرمی مملک است .

۱۶ آیا حکم جزو مادی مملک است و یا شامل غیر مادی هم می شود ؟
 مادی مثل اینکه در آب شکارنده ، غیر مادی مثل انوم یا طبله وارد شده که نه در مادی و غیر مادی نیست .

درود به جزو یا صحن سازی :

۲۰ مثل اینکه فردی با عنوان نامبر داده آب وارد خانه کند و وسایلی را از دید آید و درود به
 جزو یا صحن سازی حدی است یا صحن ؟

۲۲ عدله این می گویند این حدی نیست زیرا آن خود مالک اجازه می درود داده ولی باید گفت که درود با
 اغفال و تظلم اثری ندارد و این سرتت حدی است .

حک جز باید به اسی ورود به جز باشد :

۲ مثل انکم دید در خانه بیته الت ، در رب را شکند و دارد که اما اگر دید در خانه باز الت
و دارد که بعد صاحب در رب را بیت و او بر این خروج در رب را شکست این سورت حدی نیست

سوال :

۴ اگر الف و بی به سورت رفتند ، الف در رب را شکند و مال را می برد در این جا سورت
حدی نیست زیرا باید حک و اخراج مال توسط یک نفر انجام شود

۶ اگر الف و بی با هم حک کردند و با هم اخراج مال کردند اگر سهم هر کدام به تساوی به حد فتاب (۱/۴)
رسید این سورت حدی الت : بین الف و بی با هم حک جز کرده و یک نخچال را در دیده

۸ باشند باید سهم هر کدام ۱/۴ دینار باشد بین در این جا باید ۲ آتا ۱/۴ دینار باشد بین آن نخچال ۱
۱۰ دینار بود سورت حدی نیست بین باید نخچال به اندازه ۲ دینار ارزش داشته باشد

۱۲ اگر الف و بی حک جز کردند ولی فقط الف سورت به حد فتاب کرد فقط او سورت حدی
الت

۱. با توجه به اینکه اموال و مالکیت در حوزه حقوق مدنی خصوصی است چرا در حقوق جزا به عنوان یک سرفصل بحث می شود؟ ص ۱
۲. مال را تعریف کرده و جنس و فصل آن را مشخص کنید. رابطه بین مال و ملک چیست؟ ص ۱
۳. تفاوت جرم اقتصادی با جرم علیه اموال و مالکیت چیست؟ ص ۱
۴. ویژگی های جرایم علیه اموال چیست؟ ص ۲
۵. چند نوع حق وجود دارد؟ تفاوت هر یک را بیان کنید. ص ۲
۶. در جرایم علیه اموال آیا وسیله نقش دارد؟ به طور کامل و با مثال شرح دهید و مقید و مطلق بودن هر کدام را بیان کنید. ص ۲
۷. علی مبلغ ۲ میلیون تومان به حسن بدهکار است، از آن جایی که حسن شباهت زیادی به محسن دارد علی به اشتباه ۲ میلیون را به محسن می دهد، در این هنگام محسن پول را به اجبار به ترامپ (که فردی زورگیر است) می دهد. حسن که مالک پول است برای اینکه مال را از چنگال ترامپ خارج کند با کارتی جعلی، خود را مهندس معرفی کرده و در نتیجه پول را از او می گیرد. آیا محسن کلاهبردار است چرا؟ حکم ترامپ چیست؟ آیا حسن جرمی انجام داده است چرا؟ ص ۳
۸. فرق کلاهبرداری با شروع به کلاهبرداری چیست؟ ص ۳
۹. اوضاع و احوال در جرم کلاهبرداری به چه صورت است؟ ص ۴
۱۰. فرشید با استفاده از سند مجعول کوروش را فریب داده و مال او را گرفته است و بعد مال را به امانت به دست طاهای می سپارد، طاهای به وسایل متقلبانه تمسک کرده تا از دادن مال به کوروش خودداری کند. در صورتی که شما قاضی باشید برای فرشید و طاهای چه حکمی صادر می کنید؟ ص ۴، ۵
۱۱. فرشید که از آمریکا بازگشته است، با نام امریکایی که در پاسپورت ثبت است خود را معرفی کرده و از مردم بابت شرکتی که موجود نیست پول می گیرد و به مردم میگوید که شرکت موجود است. در این هنگام او فرار کرده و پس از یک ماه بازداشت می شود. آیا او کلاهبردار و جاعل است؟ توضیح دهید. ص ۵
۱۲. ترامپ که فردی حیلہ گر است برای اینکه بتواند از مردم پول بگیرد مدارک بیماری جعلی محیا میکند اما قبل از اینکه پول را بگیرد بازداشت می شود. حکم او چیست؟ ص ۶
۱۳. در چه مواردی جرم کلاهبرداری تشدید می شود؟ ص ۶
۱۴. مازیار که کارمند موفق بانک است به همکاران و مردم می گوید اگر به من پول دهید ۲ ماهه ۲ برابرش را به شما بر می گردانم (بدون اینکه از سمت خود استفاده کند) با این روش مبلغ ۳ هزار میلیارد به دست می آورد و از ایران خارج می شود. در صورتی که او دستگیر شود شما چه حکمی برای او می برید؟ ص ۶
۱۵. در صورتی که شخص کلاهبرداری کند و بعد برای ترساندن مال باخته اتخاذ سمت کند آیا مجازات او تشدید می شود؟ چرا؟ ص ۷
۱۶. آیا می توان از شخص حقوقی کلاهبرداری کرد؟ در صورتی که جواب مثبت است مثال بزنید. ص ۷
۱۷. اگر فردی با وسایل متقلبانه دختری را گول زند و با او ازدواج کند و بعد جهیزیه را ببرد آیا او کلاهبردار است؟ چرا؟ ص ۷
۱۸. شرایط کامل کلاهبرداری را بیان کنید. ص ۳، ۷، ۸، ۹

۱۹. اگر فردی با توسل به وسایل متقلبانه و اغفال دیگری یک وضعیت مالی کسب کند آیا کلاهبرداری صدق می کند؟ چرا؟ برای آن مثالی بزنید. ص ۸
۲۰. اگر برنج فروشی برای انتقام از هم صنف خود به او بگوید قرار است بجای پول نفت برنج وارد بازار کنند. این فرد برای فرار از ضرر تمام برنج های خود را زیر قیمت بفروشد؟ آیا کلاهبرداری صورت گرفته است؟ چرا؟ ص ۸
۲۱. زامیاد اسلحه ایی را به نیت قتل می خرد ولی بلافاصله بازداشت می شود آیا در اینجا شروع به جرم صدق می کند؟ چرا؟ ص ۸
۲۲. مجازات کلاهبرداری و شروع به کلاهبرداری چیست؟ ص ۱۱
۲۳. چک کیفری را تعریف کنید. ص ۱۲
۲۴. فرق چک بلامحل و چک پرداخت نشدنی چیست؟ ص ۱۳
۲۵. موارد قابلیت شکایت کیفری از چک را بیان کنید. ص ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۷
۲۶. امین یک چک به مبلغ ۲۰ میلیون به مهدی می دهد، فردای آن روز امین به علت مفقودی دسته چک خود، به بانک دستور عدم پرداخت می دهد. آیا مهدی می تواند شکایت کیفری کند؟ چرا؟ ص ۱۴
۲۷. وظیفه صادر کننده و بانک و حق دارنده در چک های کیفری چیست؟ ص ۱۶ * در صورت دستور به عدم پرداخت به بانک
۲۸. اگر چک صادر شده فاقد امضا باشد آیا جنبه کیفری دارد؟ چرا؟ ص ۱۶
۲۹. چکی که اختلاف در مندرجات دارد چه حکمی دارد؟ توضیح دهید؟ ص ۱۶، ۱۷
۳۰. وکیل جواد دیروز حساب جواد را مسدود کرد، جواد به دلیل عدم دسترسی به وکیل خود چکی را از همان حساب به وجه حامل صادر می کند. آیا این چک جنبه کیفری دارد؟ چرا؟ ص ۱۷
۳۱. در چه صورت چک غیر کیفری است؟ موارد آن را ذکر کنید؟ ص ۱۷
۳۲. ارکان سرقت را ذکر کرده و بیان کنید بواسطه هر رکن چه چیزی خارج می شود؟ ص ۱۹، ۲۰
۳۳. آیا ربایش منافع سرقت است؟ توضیح دهید؟ ص ۱۹
۳۴. آیا ربایش انسان و اعضای او سرقت است؟ ص ۲۰
۳۵. شرایط عامه تکلیف در سرقت را ذکر کنید و برای هر کدام مثال زده و در هر کدام حکم مسئولیت را بیان کنید. ص ۲۱، ۲۲
۳۶. شرایط سرقت حدی را بیان کنید.
۳۷. حرز را تعریف کنید. بواسطه این تعریف چه چیزی خارج می شود؟.
۳۸. دزدی یک ماشین دارای دزدگیر و قفل فرمان را در روز از پارکینگ به سرقت می برد، انگویی را که در ماشین پیدا کرده به همراه ضبط ماشین می فروشد. در کدام موارد سرقت حدی و در کدام موارد غیر حدی است؟ توضیح دهید.
۳۹. الف و ب به سرقت می روند، الف درب را می شکند و ب مال را می رباید، آیا سرقت حدی است یا خیر؟ چرا؟
۴۰. سه سارق با هم هتک حرز کرده و وارد خانه ایی می شوند، نفر اول مالی برداشته و فرار می کند، دو سارق دیگر به صورت شریکی یخچالی را برداشته و از خانه خارج می شوند. قبل از خروج این دونفر، سارق دیگری، با دیدن در باز، داخل خانه شده و مالی را بر می دارد اما هنگام خروج با درب بسته مواجه شده و برای خروج هتک حرز می کند. حکم هر کدام را بیان کنید.